

The Function of Political Capital in Mobilizing the People during the Sacred Defense Era

Ali Moradi Bahmei

Assistant Professor of Political Science, Imam Hossein University, Tehran, Iran

Abstract

During the Sacred Defense era, popular mobilization, as one of the main pillars of resistance against the military aggression of Iraq's Ba'ath regime against Iran, was formed based on political capital. This capital included the charismatic leadership of Imam Khomeini (RA), the coordination among political and revolutionary institutions, and governmental structures that played a role in mobilizing human, financial, and spiritual resources. The objective of this research is to examine how political capital—including leadership, institutions, and revolutionary ideology—was utilized in popular mobilization during the eight years of the Sacred Defense and to analyze the impact of this capital on strengthening national cohesion and resource management under wartime conditions. This study employs a qualitative approach using historical analysis, and data were collected through the study of texts related to the Sacred Defense, documents from political institutions, and official reports. The research findings indicate that the leadership of Imam Khomeini (RA), as key political capital, played a decisive role in mobilizing popular forces. Furthermore, mosques, Hussainiyas, and Basij bases, as socio-political capital, became centers for attracting and directing people to the battlefronts; a matter that signifies the deep connection between religious and political capital in the process of popular mobilization. The results also reveal that revolutionary ideology and Islamic values, emphasizing concepts such as "Jihad," "Martyrdom," and "Imamate," functioned as political instruments in stimulating public participation and strengthening the spirit of resistance.

Keywords : Political Capital, Popular Mobilization, Sacred Defense, Charismatic Leadership, National Cohesion

کارکرد سرمایه‌های سیاسی در بسیج مردم در دوران دفاع مقدس

علی مرادی بهمنی^۱

چکیده

در دوران دفاع مقدس، بسیج مردمی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی مقاومت در برابر تجاوز نظامی رژیم بعث عراق به ایران، با تکیه بر سرمایه‌های سیاسی شکل گرفت. این سرمایه‌ها شامل رهبری کارزماتیک امام خمینی (ره)، هماهنگی میان نهادهای سیاسی و انقلابی و ساختارهای حاکمیتی بود که در جهت بسیج منابع انسانی، مالی و معنوی ایفای نقش می‌کردند. هدف این پژوهش، بررسی نحوه بهره‌گیری از سرمایه‌های سیاسی—شامل رهبری، نهادها و ایدئولوژی انقلابی—در بسیج مردمی طی هشت سال دفاع مقدس و تحلیل تأثیر این سرمایه‌ها بر تقویت همگرایی ملی و مدیریت منابع در شرایط جنگی است. این تحقیق با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل تاریخی انجام شده و داده‌ها از طریق مطالعه متون مرتبط با دفاع مقدس، اسناد نهادهای سیاسی و گزارش‌های رسمی گردآوری شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رهبری امام خمینی (ره) به‌عنوان یک سرمایه سیاسی کلیدی، نقشی تعیین‌کننده در بسیج نیروهای مردمی ایفا کرده است. همچنین، مساجد، حسینیه‌ها و پایگاه‌های بسیج به‌عنوان سرمایه‌های اجتماعی—سیاسی، به کانون‌هایی برای جذب و هدایت مردم به جبهه‌های نبرد تبدیل شدند؛ امری که بیانگر پیوند عمیق میان سرمایه‌های دینی و سیاسی در فرآیند بسیج مردمی است. نتایج تحقیق همچنین حاکی از آن است که ایدئولوژی انقلابی و ارزش‌های اسلامی، با تأکید بر مفاهیمی چون «جهاد»، «شهادت» و «امامت»، به‌عنوان ابزارهایی سیاسی در تحریک مشارکت مردمی و تقویت روحیه مقاومت نقش‌آفرینی کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: سرمایه سیاسی، بسیج مردمی، دفاع مقدس، رهبری کارزماتیک، همگرایی ملی.

۱۲

سال هفتم

بهار و تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۸/۱۰

صص: ۹۷-۱۲۹

شاپا چاپی: ۲۵۳۸-۶۳۲۸

الکترونیکی: ۲۷۱۷-۱۶۵۵



DOR: 20.1001.1.25386328.1404.7.12.4.8

مقدمه و بیان مسئله

دوران «دفاع مقدس» (۱۳۵۹-۱۳۶۷) یکی از نقاط عطف تاریخ معاصر ایران است. این رویداد نه تنها به عنوان یک رویارویی نظامی، بلکه به مثابه آزمونی بزرگ برای ثبات سیاسی، انسجام اجتماعی و توانمندی مدیریتی نظام نوپای جمهوری اسلامی محسوب می شد. در شرایطی که ایران پس از انقلاب، با چالش‌های داخلی (مانند تحولات ساختاری نهادهای حکومتی، اختلافات گروه‌های سیاسی و بحران‌های اقتصادی) و فشارهای خارجی (از جمله تحریم‌ها و انزوای بین‌المللی) مواجه بود، تجاوز نظامی عراق به مرزهای کشور، ضرورت بسیج سریع و همه‌جانبه منابع ملی را به مسئله‌ای حیاتی تبدیل کرد. در این میان، سرمایه‌های سیاسی به عنوان ابزاری کارآمد در جهت هماهنگی نهادها، جلب مشارکت مردمی و تقویت روحیه مقاومت نقش محوری ایفا کردند. این مقاله با تمرکز بر کارکرد این سرمایه‌ها در بسیج مردمی دوران دفاع مقدس، می‌کوشد سازوکارهای سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیکی را تحلیل کند که ایران را در مدیریت بحران هشت‌ساله یاری رساندند.

مفهوم «سرمایه سیاسی»^۱ در ادبیات علوم اجتماعی و سیاسی، به مجموعه منابعی اشاره دارد که بازیگران سیاسی (اعم از افراد، نهادها، یا جنبش‌ها) برای پیشبرد اهداف خود از آن بهره می‌گیرند. این منابع شامل مشروعیت، اعتماد عمومی، شبکه‌های نهادی، گفتمان‌های هویت‌بخش و توانایی بسیج نیروهاست. در دوران دفاع مقدس، جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر سه رکن اصلی سرمایه سیاسی - رهبری کاریزماتیک امام خمینی (ره)، نهادهای انقلابی و ایدئولوژی مقاومت اسلامی - موفق شد ظرفیت بی‌سابقه‌ای از مشارکت مردمی را در عرصه‌های نظامی، اقتصادی و فرهنگی فعال سازد. این فرآیند در شرایطی شکل گرفت که جامعه ایران هنوز در حال عبور از گذار انقلابی و تثبیت ساختارهای جدید حکومتی بود.

سرمایه‌های سیاسی در این پژوهش به عواملی اشاره دارند که توانایی ایجاد همبستگی ملی، تقویت انگیزه‌های جمعی و هدایت رفتار مردم را دارند. یکی از مهم‌ترین این سرمایه‌ها، رهبری امام خمینی (ره) است که با بهره‌گیری از جایگاه کاریزماتیک خود توانست پیام‌هایی الهام‌بخش برای رزمندگان و بسیجیان صادر کند. سخنان امام خمینی (ره) نه تنها روحیه مردم را تقویت کرد

1. Political Capital

بلکه زمینه‌ساز ایجاد یک فرهنگ عمومی مبتنی بر ایثار و مقاومت شد. علاوه بر این، انگیزه‌های دینی و مذهبی مانند دفاع از اسلام و ارزش‌های انقلاب اسلامی نیز نقش مهمی در بسیج مردم ایفا کردند. این انگیزه‌ها موجب شدند تا بسیاری از افراد با اعتقاد قلبی وارد میدان جنگ شوند.

نهادهای اجتماعی - سیاسی مانند مساجد، حسینیه‌ها و پایگاه‌های بسیج نیز به عنوان کانون‌های جذب نیروهای مردمی عمل کردند. این نهادها نه تنها مکانی برای سازمان‌دهی نیروها بودند بلکه با ترویج ارزش‌هایی مانند ایثار، شهادت و مقاومت توانستند روحیه جمعی مردم را تقویت کنند. بررسی نقش این نهادها نشان می‌دهد که پیوند میان سرمایه‌های دینی و سیاسی چگونه توانست زمینه‌ساز بسیج گسترده مردم شود.

از منظر تاریخی، دفاع مقدس در امتداد گفتمان مقاومت و ایستادگی در برابر استعمار و استبداد قرار می‌گیرد که ریشه در نهضت‌های مشروطه‌خواهی و ملی شدن صنعت نفت دارد. با این حال، تفاوت بنیادین این دوره، در ترکیب ملی‌گرایی شیعی با انقلابی‌گری اسلامی بود که تحت رهبری امام خمینی (ره) به گفتمان مسلط تبدیل شد. این ترکیب، نه تنها مرزهای هویتی جدیدی را برای جامعه ایران تعریف کرد، بلکه به مثابه ابزار سیاسی برای یکپارچه‌سازی گروه‌های اجتماعی پراکنده (از جمله روشنفکران، روحانیون، بازاریان و روستاییان) در برابر دشمن خارجی عمل نمود. این پژوهش در چارچوب نظریه‌های سرمایه سیاسی (بورديو، ۱۹۹۱) و بسیج منابع (مک کارتی و زالد، ۱۹۷۷) قرار می‌گیرد. از دیدگاه بورديو، سرمایه سیاسی به مثابه نوعی «اعتبار نمادین» تعریف می‌شود که از طریق شبکه‌های نهادی، گفتمان‌های مشروعیت بخش و روابط اجتماعی انباشته می‌گردد (Bourdieu, 1991). در دوران دفاع مقدس، این سرمایه در قالب رهبری مذهبی - سیاسی امام خمینی (ره)، نهادهای انقلابی (مانند سپاه پاسداران، جهاد سازندگی و بسیج مستضعفین) و گفتمان جهاد و شهادت تجلی یافت. از سوی دیگر، نظریه بسیج منابع بر این نکته تأکید دارد که موفقیت جنبش‌های اجتماعی به توانایی آن‌ها در سازمان‌دهی نیروها، جذب حمایت‌های مالی و استفاده از رسانه‌ها برای ترویج ایدئولوژی وابسته است.

در مجموع، این پژوهش استدلال می‌کند که ترکیب رهبری فرهمند، نهاد‌های منعطف و ایدئولوژی یکپارچه، سرمایه‌های سیاسی بی‌بدیلی را ایجاد کرد که نه تنها بقای ایران در جنگ را تضمین نمود، بلکه میراثی ماندگار در حافظه جمعی ایرانیان برجای گذاشت. احیای این الگو در

شرایط کنونی، به‌ویژه در مواجهه با تحریم‌های بین‌المللی، می‌تواند به‌عنوان راهکاری راهبردی برای تقویت تاب‌آوری ملی موردتوجه قرار گیرد.

پرسش اصلی پژوهش

سرمایه‌های سیاسی (شامل رهبری کاریزماتیک، نهادهای انقلابی و ایدئولوژی مقاومت) در دوران دفاع مقدس، از چه سازوکارها و کارکردهایی برای بسیج مردمی استفاده کردند و این فرآیند چگونه به تقویت همگرایی ملی و مدیریت بحران در شرایط جنگ تحمیلی عراق علیه ایران انجامید؟

فرضیه اصلی پژوهش

ترکیب سه‌گانه رهبری کاریزماتیک امام خمینی (ره)، نهادهای انقلابی منسجم (مانند مجلس شورای اسلامی، شورای عالی دفاع و بسیج مستضعفین) و ایدئولوژی مقاومت اسلامی (با محوریت مفاهیمی چون جهاد، شهادت و امت واحد) به‌عنوان سرمایه‌های سیاسی کلیدی، از طریق سازوکارهای مشروعیت‌بخشی گفتمانی، سازمان‌دهی نهادی و تحریک معنوی-عاطفی، نه تنها موجب بسیج گسترده و خودجوش مردمی در دوران دفاع مقدس شد، بلکه با تبدیل تهدیدهای خارجی به عاملی برای همگرایی داخلی، زمینه‌ساز مدیریت مؤثر بحران‌های ناشی از جنگ تحمیلی و تثبیت هویت ملی-مذهبی در جامعه ایران گردید.

اهمیت و ضرورت تحقیق

غنی‌سازی ادبیات علوم اجتماعی و سیاسی: این پژوهش با تمرکز بر مفهوم «سرمایه سیاسی» و نقش آن در بسیج مردمی، به شکاف نظری موجود در مطالعات مرتبط با جنگ تحمیلی پاسخ می‌دهد. تاکنون بیشتر پژوهش‌ها بر ابعاد نظامی یا اقتصادی دفاع مقدس متمرکز بوده‌اند، درحالی‌که این تحقیق با ترکیب چارچوب‌های نظری جامعه‌شناسی سیاسی و مطالعات بسیج منابع، الگویی نوین برای تحلیل تعامل نهادها، رهبری و ایدئولوژی در شرایط بحران ارائه می‌کند.

ارائه الگوی کاربردی برای مدیریت بحران: یافته‌های این تحقیق می‌تواند به عنوان چراغ راهی برای کشورهایی باشد که با جنگ‌های نامتقارن، تحریم‌های بین‌المللی، یا اختلافات داخلی مواجه‌اند. سازوکارهای به کار گرفته شده در دفاع مقدس، از جمله استفاده از شبکه‌های مذهبی (مساجد و هیئت‌ها) و نهادهای مردمی (بسج و شوراه)، نمونه‌ای موفق از تبدیل سرمایه‌های نمادین به قدرت ملموس سازمانی است.

تبیین نقش رهبری کاریزماتیک در جوامع در حال گذار: این تحقیق نشان می‌دهد که چگونه امام خمینی (ره) با تکیه بر مشروعیت دینی-سیاسی، اختلافات داخلی را مهار کرد و گفتمان مقاومت را به گفتمان مسلط تبدیل نمود. این الگو برای تحلیل نقش رهبران فرهمند در سایر جوامع درگیر بحران (مانند لبنان یا یمن) قابل تعمیم است.

نیاز به الگوی بومی برای مدیریت بحران‌های کنونی: جمهوری اسلامی ایران امروز با چالش‌هایی مانند تحریم‌های شدید اقتصادی، ناآرامی‌های اجتماعی و فشارهای بین‌المللی مواجه است. عدم بررسی درس‌آموخته‌های دفاع مقدس در بهره‌گیری از سرمایه‌های سیاسی، ممکن است به تکرار اشتباهات تاریخی یا اتخاذ راهکارهای ناکارآمد بینجامد.

اهداف پژوهش

هدف کلی: تبیین سازوکارها و کارکردهای سرمایه‌های سیاسی (شامل رهبری کاریزماتیک، نهادهای انقلابی و ایدئولوژی مقاومت) در بسیج مردمی دوران دفاع مقدس و تحلیل تأثیر این عوامل بر تقویت همگرایی ملی و مدیریت بحران در شرایط جنگ تحمیلی عراق علیه ایران.

اهداف جزئی: الف) بررسی نقش رهبری کاریزماتیک امام خمینی (ره) در ایجاد گفتمان مقاومت و تبدیل آن به نیروی محرکه مشارکت مردمی، با تکیه بر تحلیل بیانات، پیام‌ها و فرمان‌های ایشان. ب) تحلیل کارکرد نهادهای سیاسی و انقلابی (مانند مجلس شورای اسلامی، شورای عالی دفاع، بسیج مستضعفین و مساجد) در سازمان‌دهی منابع انسانی، مالی و لجستیکی برای پشتیبانی از جنگ. ج) مطالعه تأثیر ایدئولوژی مقاومت اسلامی مبتنی بر مفاهیمی چون «جهاد»، «شهادت» و «امت واحد» بر تحریک عواطف مذهبی و توجیه سیاست‌های سخت‌گیرانه دوران جنگ. د)

شناسایی درس آموخته‌های تاریخی از دفاع مقدس به منظور کاربری آن‌ها در مواجهه با چالش‌های کنونی ایران (مانند تحریم‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی). اهداف فوق به صورت زنجیره‌ای و در راستای پاسخگویی به پرسش اصلی پژوهش و آزمون فرضیه محوری طراحی شده‌اند. هر هدف جزئی، یکی از ابعاد کلیدی سرمایه سیاسی (رهبری، نهادها، ایدئولوژی) یا تعامل بین آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد.

مفاهیم کلیدی پژوهش

سرمایه سیاسی: سرمایه سیاسی ترکیبی از دو واژه «سرمایه» (منابع قابل انباشت و تبدیل به قدرت) و «سیاسی» (مربوط به حکومت و قدرت عمومی) است که به معنی منابع نمادین و ملموسی است که بازیگران سیاسی برای پیشبرد اهداف خود از آن بهره می‌گیرند (بوردیو، ۱۳۸۴: ۱۳۳-۱۳۵). سرمایه‌های سیاسی به منابع و عوامل مختلفی اشاره دارند که در یک نظام سیاسی، قدرت و نفوذ را افزایش می‌دهند. این منابع می‌توانند شامل رهبری کاریزماتیک، نهادهای سیاسی و ایدئولوژی‌های جمعی باشند.

پی‌یر بوردیو^۱ در مقاله خود تحت عنوان «نماینده‌گی سیاسی: عناصری برای یک نظریه در حوزه سیاسی» در سال ۱۹۹۱ به شکل جدیدی از سرمایه یعنی سرمایه سیاسی اشاره می‌کند و آن را این گونه تعریف می‌کند: «سرمایه سیاسی، شکلی از سرمایه نمادین است. اعتبار چنین سرمایه‌ای بر مبنای باور یا مقبولیت و شناسایی استوار شده است. یا به تعبیر دقیق‌تر، سرمایه سیاسی بر مبنای اقدامات بی‌شمار اعتباربخشی به واسطه کارگزارانی استوار شده است که آن را به یک شخص اعطاء می‌نمایند» (Bourdieu, 1991: 192). او سرمایه سیاسی را قدرت سیاسی می‌داند، قدرتی که از اعتماد یک گروه از پیروان به سیاستمداران، نشئت می‌گیرد؛ بنابراین با افزایش یا کاهش اعتماد، سرمایه سیاسی یک سیاستمدار تغییر می‌کند (مرادی بهمنی، ۱۴۰۳: ۶۷).

سرمایه سیاسی به توانایی یک نظام سیاسی، رهبر یا گروه برای جلب اعتماد، نفوذ و حمایت عمومی جهت پیشبرد اهداف سیاسی اشاره دارد. این مفهوم در علوم سیاسی به عنوان منبعی ناملموس شناخته می‌شود که از طریق اقدامات مشروعیت‌بخش، پاسخگویی به مطالبات عمومی و

1. Pierre Bourdieu

ایجاد حسن نیت جمعی شکل می‌گیرد. بر اساس تعریف فردریک مایر^۱، سرمایه سیاسی «ذخیره‌ای از اعتبار است که به سیاستمداران اجازه می‌دهد تصمیمات دشوار را با هزینه کمتری اجرا کنند» (Nordqvist, 2019). این سرمایه می‌تواند از طریق انتخابات، عملکرد مثبت یا بسیج افکار عمومی تقویت شود.

در تعریف دیگری می‌توان گفت که سرمایه‌های سیاسی به توانایی یک نظام یا رهبر برای بسیج و هدایت مردم در جهت اهداف خاص اشاره دارد. این توانایی می‌تواند از طریق ایجاد همبستگی ملی، تقویت روحیه مقاومت و ترویج ارزش‌های مشترک حاصل شود (مولایی آرانی و باقری کئی، ۱۳۹۵: ۷۷).

در این مقاله، سرمایه‌های سیاسی به عنوان عوامل مؤثر در بسیج مردمی برای دفاع از کشور در دوران دفاع مقدس تعریف می‌شوند. این عوامل شامل رهبری کاریزماتیک امام خمینی (ره)، انگیزه‌های دینی و ملی و نهادهای اجتماعی-سیاسی هستند که به طور مستقیم بر رفتار جمعی مردم تأثیر می‌گذارند.

بسیج مردمی: بسیج مردمی^۲ ترکیبی از دو واژه بسیج (به معنی سازمان‌دهی و آماده‌سازی) و مردمی (متکی بر مشارکت عمومی) است؛ یعنی فرآیند سازمان‌دهی منابع انسانی و مالی توسط نهادهای سیاسی یا اجتماعی برای تحقق اهداف خاص (هدایتی، ۱۳۹۵). این هدف می‌تواند دفاع از کشور، حمایت از یک جنبش سیاسی، یا هر فعالیت جمعی دیگر باشد.

بر اساس نظریه بسیج منابع، بسیج مردمی فرآیندی است که در آن جنبش‌های اجتماعی با استفاده از شبکه‌های موجود (مانند نهادهای مذهبی یا رسانه‌ها)، حمایت‌های مالی و انسانی را جذب می‌کنند (McCarthy & Zald, 1977: 183).

در اصطلاح سیاسی و اجتماعی، بسیج مردمی به عنوان یک پدیده جمعی تعریف می‌شود که در آن مردم به طور داوطلبانه یا سازمان‌یافته در یک فعالیت یا جنبش شرکت می‌کنند. این پدیده می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند رهبری سیاسی، ایدئولوژی‌های جمعی، یا شرایط بحرانی باشد (مولایی آرانی و باقری کئی، ۱۳۹۵: ۷۷).

2. Fredrik Meyer
1. People's Mobilization

در این مقاله، بسیج مردمی به سازمان‌دهی داوطلبانه نیروهای غیرنظامی در دوران دفاع مقدس اشاره دارد که از طریق فراخوان‌های عمومی امام خمینی (ره) به‌عنوان سرمایه سیاسی برای تشکیل «ارتش ۲۰ میلیونی»؛ استفاده از مساجد و هیئت‌های مذهبی به‌عنوان پایگاه‌های جذب داوطلبان و توزیع منابع مالی از طریق نذورات و کمک‌های مردمی انجام می‌شد.

دفاع مقدس: دفاع مقدس^۱ ترکیبی از دو واژه دفاع (حفاظت از سرزمین) و مقدس (متبرک و الهی) است که به معنی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (۱۳۶۷-۱۳۵۹) که در گفتمان رسمی ایران، به دلیل ماهیت مقاومت مردمی و توجیه مذهبی، «مقدس» نامیده می‌شود. دفاع مقدس به جنگ هشت ساله ایران و عراق اشاره دارد که به‌عنوان یک دفاع مقدس و ملی در تاریخ ایران ثبت شده است (<https://fa.wikifeqh.ir>). از دیدگاه هویت‌سازی ملی، دفاع مقدس به‌عنوان رویدادی کلیدی در شکل‌گیری هویت ملی-مذهبی ایرانیان پس از انقلاب اسلامی عمل کرد. در اصطلاح تاریخی و سیاسی، دفاع مقدس به‌عنوان یک دوره بحران و مقاومت ملی تعریف می‌شود که در آن ایران در برابر تهاجم عراق مقاومت کرد. این دوره با حضور گسترده مردم در جبهه‌ها و ایجاد یک فرهنگ مقاومت و ایثار همراه بود (فاضلی کبریا و نهادی، ۱۳۹۶: ۹). در این مقاله، دفاع مقدس به دوره هشت‌ساله جنگ ایران و عراق اطلاق می‌شود که در آن ایران از استراتژی «مقاومت» و «جنگ مردمی» استفاده کرد. مفاهیمی مانند «شهادت» و «جهاد» به نمادهای هویتی تبدیل شدند.

پیشینه پژوهش

پژوهشگران به کارکرد سرمایه‌های سیاسی در بسیج مردم در دوران دفاع مقدس پرداخته‌اند. در زیر به چند نمونه از این تحقیقات اشاره می‌شود.

جدول شماره (۱): پیشینه پژوهش

عنوان پژوهش	سال	نویسنده(ها)	روش پژوهش	نتایج پژوهش
سرمایه اجتماعی و گونه‌های دموکراتیک فرهنگ سیاسی	۱۳۹۱	احمدی و نمکی	تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش	رابطه مثبت بین سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی دموکراتیک در استان‌های ایران.
سرمایه سیاسی و اینترنت: بررسی سطح سرمایه سیاسی و تأثیر استفاده از اینترنت بر ابعاد آن	۱۳۹۱	پیران نژاد و عبادی	پیمایش مقطعی	استفاده از اینترنت با افزایش سرمایه سیاسی (اعتماد و مشارکت) در جوانان مرتبط است.
از سرمایه تا سرمایه سیاسی؛ نقدی بر تکوین نظریه سرمایه سیاسی	۱۴۰۰	جودکی و همکاران	توصیفی-تبیینی	سرمایه سیاسی به‌عنوان ترکیبی از قدرت و مشروعیت تعریف می‌شود و تحت تأثیر تحولات اجتماعی-سیاسی قرن بیستم شکل گرفته است.
بررسی نقش و تحولات سرمایه اجتماعی جامعه ایران در دوران دفاع مقدس	۱۳۸۹	کریمی	توصیفی-تحلیلی	نشان داد که دفاع مقدس به ایجاد یک شکل جدید از روابط اجتماعی و مشارکت فعالانه در جبهه‌ها منجر شد.
بررسی تأثیر دفاع مقدس بر ارتقاء سرمایه اجتماعی	۱۳۹۶	فاضلی کبریا و نهادی	توصیفی-تحلیلی	نشان داد که دفاع مقدس بر سرمایه اجتماعی ایران تأثیر گذاشته و ارزش‌های آن بر مشارکت و اعتماد اجتماعی مؤثر بوده است.
طراحی و تبیین الگوی سرمایه اجتماعی بر اساس وصایای فرماندهان شهید	۱۳۹۸	عابدینی و همکاران	اسنادی	الگویی برای سرمایه اجتماعی بر اساس وصایای فرماندهان شهید ارائه داد که بر اهمیت رهبری و مدیریت در دوران دفاع مقدس تأکید می‌کند.

عنوان پژوهش	سال	نویسنده(ها)	روش پژوهش	نتایج پژوهش
جامعه‌شناسی سیاسی دفاع مقدس؛ تثبیت انقلاب اسلامی	۱۴۰۰	شفیعی فرو صفیاریپور	توصیفی-تحلیلی	نشان داد که دفاع مقدس در تثبیت انقلاب اسلامی ایران نقش مهمی داشته است.
سرمایه سیاسی: نقد نظریه بورديو و تأکید بر ضرورت تعریف عملیاتی دقیق‌تر	۲۰۱۹	کاسیر	مرور سیستماتیک	سرمایه سیاسی به‌عنوان توانایی تبدیل منابع به قدرت، نیازمند بسترهای نهادی است. نقد اصلی: تعریف مبهم بورديو از مرزهای سرمایه سیاسی
یادگیری شهروندی و مشارکت دمکراتیک	۲۰۰۰	شوگورنسکی	توصیفی-تبیینی	آموزش شهروندی قسمتی از فرایند بزرگ‌تر دموکراسی مشارکتی و عدالت اجتماعی است که بازتوزیع سرمایه سیاسی می‌تواند نقشی مهم در این پروژه دگرگون‌شونده ایفا نماید.

بسیاری از تحقیقات پیشین بر سرمایه اجتماعی در دوران دفاع مقدس تمرکز کرده‌اند، درحالی‌که این مقاله به‌طور خاص به نقش سرمایه‌های سیاسی در بسیج مردمی می‌پردازد. این تمرکز می‌تواند یک نوآوری در این زمینه باشد.

مبانی نظری پژوهش

این پژوهش بر پایه ترکیبی از نظریه‌های جامعه‌شناسی سیاسی، نظریه بسیج منابع و مطالعات هویت ملی استوار است که در ادامه به تفصیل شرح داده می‌شوند:

نظریه سرمایه سیاسی پی‌یر بورديو: اندیشمندان و پژوهشگران مشهوری به بیان نظرات خود در مورد مفهوم سرمایه سیاسی پرداختند. از میان آن‌ها می‌توان به دیدگاه‌های بورديو اشاره نمود. از نظر وی سرمایه سیاسی شکلی از سرمایه نمادین است و به بیان صریح‌تر اعتباری است که بر مبنای اعتقاد، باور و شناخت و عملکرد پایه‌گذاری شده و از طریق آن افراد به یک شخص

خاص قدرت زیادی اعطا می‌کنند. بورديو سرمايه سياسي را معادل قدرت سياسي می‌داند و در بیان مقصود خود از این معادل‌سازی به قدرتی که از اعتقاد یک گروه از پیروان و حامیان به سیاست‌مداران ناشی می‌شود اشاره می‌کند (Bourdieu, 1991: 204). بنا بر همین دلیل است که از نظر این اندیشمند در اثر هرگونه کاهش و یا افزایش اعتماد، سرمايه سياسي سیاست‌مدار نیز تغییر می‌کند. همچنین شوگورنسکی^۱ نیز سرمايه سياسي را نوعی ظرفیت تأثیرگذاری می‌داند که بر سیاست‌گذاری عمومی پیاده می‌شود و بر مبنای این که یکی از اهداف آموزش شهروندی مشارکتی، برابری فرصت‌ها برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌سازی دولت است، ابعاد سرمايه سياسي را شامل: «دانش، مهارت‌های سياسي، ایستارها، نزدیکی به قدرت و منابع فردی مانند سرمايه اقتصادی می‌شمارد» (Shugurensky, 2000: 9).

با توجه به این نکات می‌توان سرمايه سياسي را شامل نگرش‌ها و رفتارهای شهروندان دانست که سیستم سياسي، دولت، متصدیان در دولت، گروه‌های اجتماعی و خود شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Booth & Richard, 2007: 4). مجموعه این نگرش‌ها و رفتارها را می‌توان در پنج بعد تقسیم‌بندی کرد: «اعتماد سياسي، دانش سياسي، مشارکت سياسي، هنجارهای سياسي، مردم‌سالارانه و شبکه‌های سياسي» (عبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۰).

در همین راستا باید به این امر توجه نمود که اگر برای شهروندان، هنجارهای برابری و آزادی قابل قبول باشند، به سیاست‌های دولت، روندها و فرایندهای انجام‌وظیفه توسط آنان و به خود مسئولان اعتماد داشته باشند، تمایل آنان به مشارکت سياسي نیز در تمامی ابعاد آن ارتقا می‌یابد. در واقع توسعه سياسي، تنها از طریق مشارکت خود شهروندان تحقق می‌یابد.

با توجه به مطالب فوق، نباید سرمايه سياسي را امری ثابت دانست بلکه باید آن را زمان و زمینه پرورده تلقی کرد و میزان آن را نیز از طریق رخدادهای و تحولات مختلف در زمان‌های گوناگون مانند جنگ، انقلاب و میزان کارآمدی دولت تأثیرپذیر دانست. چنین سرمايه‌ای دارای سه سطح فردی، سازمانی و اجتماعی است که اندیشمندی مانند پاتنام^۲ با این ادعا که سرمايه اجتماعي می‌تواند تجمیع شده و دولت را تحت تأثیر قرار دهد، آن را در قالب نظریه جامعه‌شناسی کلان مطرح کرد (عبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۳-۳۰).

1. Shugurensky
2. Putnam

نقطه عزیمت اختلاف سرمایه اجتماعی و سرمایه سیاسی آنجاست که پاتنام سرمایه اجتماعی را اعتماد، شبکه‌ها و هنجارهایی می‌داند که تسهیل‌کننده همکاری با یکدیگر در جهت دستیابی به اهداف مشترک است؛ اما سرمایه سیاسی به معنای کنش‌های سیاسی است که به صورت آگاهانه فرایند سیاست‌گذاری و به‌طور کلی نظام سیاسی را متأثر می‌سازد. این تفاوت‌ها سرانجام در نقطه پیامدها پایان می‌یابد؛ زیرا پیامد سرمایه اجتماعی اعتماد خواهد بود و پیامد سرمایه سیاسی مشروعیت است. بر همین اساس مهم‌ترین مؤلفه سرمایه سیاسی، اعتماد سیاسی است که از مهم‌ترین مقوله‌های هر نظام سیاسی به شمار می‌آید.

در این مقاله، سرمایه سیاسی دوران دفاع مقدس به مثابه ترکیبی از اقتدار کاریزماتیک امام خمینی (ره) (سرمایه نمادین)، نهادهای انقلابی مانند بسیج (سرمایه اجتماعی) و گفت‌وگو مقاومت اسلامی (سرمایه فرهنگی) تحلیل می‌شود. به عنوان مثال، فرمان تشکیل «ارتش ۲۰ میلیونی» توسط امام خمینی (ره) (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۱۲۲)، نمونه‌ای از تبدیل سرمایه نمادین به بسیج عملی است.

نظریه بسیج منابع مک کارتی و زالد: مک کارتی و زالد^۱ با استفاده از منطق اقتصادی قانون عرضه و تقاضا، به توضیح چگونگی عرضه و تقاضای منابع در بخش جنبش‌های اجتماعی یک جامعه می‌پردازند. از نظر آنان منابع عبارت‌اند از مشروعیت، پول، تسهیلات و نیروی کار. افراد و سازمان‌های مذکور در فوق کنترل این منابع را به دست دارند و سازمان‌های جنبش اجتماعی می‌باید این منابع را در راستای اعتقادات آنان تجهیز نمایند، البته نه با قدرت انتخاب کامل. وقایع مداخله‌گری نظیر جنگ، روندهای گسترده‌تر اقتصادی و فاجعه‌های طبیعی وجود دارند که می‌توانند بر توانایی سازمان‌های جنبش اجتماعی در تحصیل منابع تأثیر بگذارند (McCarthy & Zald, 1977: 1223). مک کارتی و زالد استدلال می‌کنند که موفقیت جنبش‌های اجتماعی به توانایی آن‌ها در سازمان‌دهی منابع (انسانی، مالی، رسانه‌ای) وابسته است (McCarthy & Zald, 1977: 1224). این نظریه بر نقش نهادهای رسمی و شبکه‌های غیررسمی در بسیج تأکید دارد. در دوران دفاع مقدس، نهادهایی مانند شورای عالی دفاع و بسیج مستضعفین با استفاده از شبکه‌های مذهبی (مساجد) و رسانه‌های جمعی (صداسیما)، منابع را برای پشتیبانی از جنگ

1. McCarthy & Zald

سازمان‌دهی کردند. به‌عنوان مثال، کمک‌های مردمی از طریق نذورات در مساجد جمع‌آوری می‌شد.

نظریه رهبری کاریزماتیک ماکس وبر: رهبری کاریزماتیک^۱ به توانایی یک رهبر در الهام‌بخشی و جذب پیروان اشاره دارد. این توانایی معمولاً با ویژگی‌های شخصیتی و ایدئولوژیک خاصی همراه است. بر اساس نظریه وبر^۲، رهبری فرهمند یکی از سه نوع مشروعیت سیاسی است که در آن اقتدار رهبر از ویژگی‌های استثنایی شخصی (مانند قهرمانی یا قداست) ناشی می‌شود (Weber, 1978: 51).

در اصطلاح سیاسی و اجتماعی، رهبری کاریزماتیک به‌عنوان یک پدیده رهبری تعریف می‌شود که در آن رهبر با استفاده از ویژگی‌های شخصیتی و ایدئولوژیک خود، توانایی ایجاد همبستگی و الهام‌بخشی به پیروان را دارد. این پدیده می‌تواند در شرایط بحرانی یا انقلابی رخ دهد (مولایی آرائی و باقری کنی، ۱۳۹۵: ۷۷).

امام خمینی (ره) با تکیه بر گفتمان مقاومت («جنگ، نعمت الهی است») و اقدامات نمادین (مانند تأکید بر حضور در جبهه‌ها)، الگویی از رهبری کاریزماتیک را ارائه داد که حتی گروه‌های سیاسی مخالف را نیز به همگرایی سوق داد.

در این مقاله، رهبری فرهمند به نقش امام خمینی (ره) در بسیج مردمی اشاره دارد که از طریق بیانات تأثیرگذار (مانند «راه قدس از کربلا می‌گذرد»)^۳؛ صدور فرمان‌های تاریخی (مانند تشکیل بسیج مستضعفین) و تبدیل شخصیت خود به نماد وحدت ملی تبلور عینی پیدا کرد.

نظریه همگرایی ملی ارنست گلنر: نظریه همگرایی ملی^۴ ارنست گلنر^۴ که در کتاب مشهور او «ملت‌ها و ناسیونالیسم» (۱۹۸۳) مطرح شده است، بر رابطه بین صنعتی شدن، ناسیونالیسم و شکل‌گیری دولت-ملت‌های مدرن تمرکز دارد. از دیدگاه گلنر، همگرایی ملی نتیجه فرآیندهای سیاسی-فرهنگی است که تنوع قومی، مذهبی و طبقاتی را تحت هویت ملی واحد ادغام می‌کند (Gellner, 1983: 54). این نظریه بر نقش ایدئولوژی و نهاد‌های آموزشی در ایجاد هویت

1. Charismatic Leadership
2. Max Weber
3. National Cohesion
4. Ernest Gellner

مشترک تأکید دارد. همگرایی ملی، از دید او، فرآیندی است که در آن دولت با استاندارد سازی فرهنگ، زبان و آموزش، جمعیت پراکنده را به «ملتی» یکپارچه تبدیل می‌کند تا نیازهای اقتصاد و بوروکراسی مدرن را برآورده سازد. این نظریه تا امروز به عنوان یکی از پایه‌های کلیدی در مطالعات ناسیونالیسم شناخته می‌شود. به طور کلی، نظریه همگرایی ملی گلنر بر این اصل استوار است که فرایندهای تاریخی، اجتماعی و فرهنگی می‌توانند باعث ایجاد هویت ملی مشترک شوند و این هویت می‌تواند به همگرایی و اتحاد جوامع مختلف منجر شود.

ایدئولوژی مقاومت اسلامی با تأکید بر مفاهیمی مانند «امت واحد»، هویت‌های محلی (کرد، بلوچ، ترک) را در قالب هویت ملی-مذهبی ایرانی ادغام کرد. به عنوان مثال، شهدای اقوام مختلف در وصیت‌نامه‌های خود بر «وحدت اسلامی» تأکید داشتند.

در این مقاله، همگرایی ملی به انسجام اجتماعی ایجادشده در دوران دفاع مقدس اشاره دارد که از طریق کاهش اختلافات جناحی بین گروه‌های سیاسی، مشارکت گسترده اقوام مختلف (مانند کردها، بلوچ‌ها و عرب‌ها) در جنگ و ترویج گفتمان «امت اسلامی» به جای هویت‌های محلی حاصل می‌شود، تبلور عینی پیدا کرد.

این پژوهش با تلفیق چهارچوب‌های فوق، الگویی سه‌بعدی ارائه می‌دهد: ۱. سطح کلان (نظریه بوردیو): تحلیل نقش نهادهای سیاسی در انباشت و توزیع سرمایه سیاسی؛ ۲. سطح میانی (نظریه بسیج منابع): بررسی سازوکارهای سازمان‌دهی منابع در جنگ و ۳. سطح خرد (نظریه وبر و گلنر): واکاوی تأثیر رهبری و ایدئولوژی بر مشارکت مردمی.

به عنوان مثال تصویب قانون «حمایت از خانواده شهدا» توسط مجلس (۱۳۶۳) نمونه‌ای از تعامل نهادها (بوردیو)، بسیج منابع مالی (مک‌کارتی) و تقویت همگرایی ملی (گلنر) است.

مؤلفه‌های سرمایه سیاسی

سرمایه سیاسی شامل مؤلفه‌های مختلفی است که به توانایی یک نظام یا رهبر برای بسیج و هدایت مردم در جهت اهداف خاص اشاره دارد. در ادامه، به برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه سیاسی اشاره می‌شود.

مشارکت سیاسی: مشارکت سیاسی به فعالیت‌های افراد در فرآیندهای سیاسی مانند انتخابات، تظاهرات، یا عضویت در احزاب اشاره دارد. این مشارکت می‌تواند به افزایش نفوذ و تأثیرگذاری در تصمیمات سیاسی کمک کند (ذوالفقاری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۷). در دوران دفاع مقدس، مشارکت سیاسی با سازمان‌دهی داوطلبان جبهه‌ها و کمک‌های مردمی تجلی یافت. در دوران دفاع مقدس، مشارکت سیاسی به معنای حضور فعال مردم در جبهه‌ها و حمایت از نظام سیاسی بود. این مشارکت به ایجاد یک حس همبستگی ملی کمک کرد و در نهایت به پیروزی در برابر تهدیدات خارجی منجر شد. برای مثال، تشکیل بسیج و شرکت گسترده مردم در دفاع از کشور از مهم‌ترین اشکال مشارکت سیاسی در آن دوره بود.

انسجام سیاسی: انسجام سیاسی به هماهنگی بین گروه‌ها و نهادهای سیاسی برای دستیابی به اهداف مشترک اشاره دارد. برای مثال، همکاری بی سابقه بین سپاه پاسداران و ارتش در عملیات «فتح المبین» نمونه‌ای از انسجام سیاسی بود که تحت رهبری امام خمینی (ره) محقق شد (درویشی سه‌تلانی، ۱۳۹۳: ۷۹).

در دوران دفاع مقدس، انسجام سیاسی از طریق ایجاد یک هویت جمعی و ملی حاصل شد. رهبری امام خمینی (ره) و انگیزه‌های دینی-ملی از عوامل مهمی بودند که به این انسجام کمک کردند. با وجود اختلافات سیاسی داخلی، دفاع مقدس به عنوان یک عامل یکپارچگی عمل کرد و بسیاری از گروه‌های سیاسی به نفع مصالح ملی به کنار گذاشتن اختلافات خود پرداختند.

اعتماد سیاسی: اعتماد سیاسی به باور و اطمینانی اشاره دارد که مردم به نهادهای سیاسی و رهبران خود دارند. این اعتماد می‌تواند به افزایش مشروعیت سیاسی و ثبات نظام کمک کند (جودکی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۵). در دوران دفاع مقدس، اعتماد سیاسی به رهبری امام خمینی (ره) و نظام جمهوری اسلامی از عوامل مهمی بود که به بسیج مردمی کمک کرد. این اعتماد به ایجاد یک حس اطمینان و وفاداری در میان مردم منجر شد و در نهایت به افزایش مشارکت و حمایت از نظام سیاسی انجامید.

فرهنگ سیاسی: فرهنگ سیاسی به مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها و هنجارهای سیاسی اشاره دارد که در یک جامعه حاکم است. این فرهنگ می‌تواند بر رفتار سیاسی افراد تأثیر گذارد. در دوران دفاع مقدس، فرهنگ سیاسی ایران بر اساس ارزش‌های اسلامی و انقلابی شکل گرفت.

این فرهنگ به ایجاد یک هویت جمعی و ملی کمک کرد و در نهایت به بسیج مردمی در دفاع از کشور منجر شد. شاخص‌های فرهنگ سیاسی مانند شهادت‌طلبی، حمایت از مستضعفان و غرب‌ستیزی از مهم‌ترین این ارزش‌ها بودند (جلالی راد، ۱۴۰۲: ۴۹).

دانش سیاسی: دانش سیاسی به آگاهی و درک افراد از مفاهیم و فرآیندهای سیاسی اشاره دارد. این دانش می‌تواند به افزایش مشارکت و تأثیرگذاری سیاسی کمک کند. یا دانش سیاسی شامل آگاهی نسبت به امور واقعی و دانش رویه‌ای مورد نیاز برای مشارکت مؤثر در فرایند سیاسی است؛ مانند اطلاعات عمومی درباره چگونگی کارکرد نظام‌های سیاسی، فرایندهای انتخاباتی، تفکیک قوا، اطلاعات درباره قوه مقننه، احزاب، جریانات سیاسی و... (کریمی مله، ۱۴۰۱: ۶۳). در مجموع دانش سیاسی به آگاهی شهروندان از حقوق و وظایف سیاسی خود اشاره دارد. در دوران دفاع مقدس، دانش سیاسی به معنای درک اهمیت دفاع از کشور و نظام سیاسی بود. این دانش به افزایش آگاهی و مشارکت سیاسی در میان مردم کمک کرد و در نهایت به بسیج گسترده‌تر نیروهای مردمی منجر شد. با آگاهی از شرایط سیاسی و نظامی، مردم توانستند به‌طور مؤثرتری در دفاع از کشور شرکت کنند.

شبکه‌های سیاسی: شبکه‌های سیاسی به روابط و پیوندهای بین افراد و گروه‌های سیاسی اشاره دارد. این شبکه‌ها می‌توانند به افزایش نفوذ و تأثیرگذاری سیاسی کمک کنند (جودکی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۵). شبکه‌های سیاسی نیز شامل ارتباطات بین نهادها، گروه‌ها و افراد برای تبادل منابع است. مساجد و هیئت‌های مذهبی به عنوان شبکه‌های غیررسمی، نقش کلیدی در بسیج نیروها و جمع‌آوری کمک‌های مالی ایفا کردند.

در دوران دفاع مقدس، شبکه‌های سیاسی شامل مساجد، حسینیه‌ها و پایگاه‌های بسیج بود. این شبکه‌ها به بسیج مردمی و سازمان‌دهی نیروهای داوطلب کمک کردند. با استفاده از این شبکه‌ها، نظام سیاسی توانست به‌طور مؤثرتری از مردم حمایت بگیرد و آن‌ها را در جبهه‌های نبرد سازمان‌دهی کند.

اعتبار سیاسی: اعتبار سیاسی به شهرت و نفوذ یک فرد یا نهاد در عرصه سیاسی اشاره دارد. این اعتبار می‌تواند به افزایش مشروعیت و نفوذ سیاسی کمک کند (فوزی و میری کمک، ۱۴۰۳). امام خمینی (ره) با ترکیب مشروعیت دینی (به عنوان مرجع تقلید) و عملکرد قاطع در مدیریت

جنگ، اعتباری بی‌بدیل کسب کرد. به گفته وبر، این اعتبار نمونه‌ای از مشروعیت کاریزماتیک است که در شرایط بحران تقویت می‌شود. نهادهایی مانند مجلس شورای اسلامی نیز با تصویب قوانین حمایتی (مانند معافیت مالیاتی خانواده شهدا)، اعتبار خود را افزایش دادند (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۳). این اعتبار، حتی در سطح بین‌المللی نیز با تصویب قطعنامه‌های سازمان ملل مبنی بر محکومیت تجاوز عراق به ایران تقویت شد.

در دوران دفاع مقدس، اعتبار سیاسی رهبری امام خمینی (ره) از عوامل مهمی بود که به بسیج مردمی کمک کرد. این اعتبار به ایجاد یک حس اطمینان و وفاداری در میان مردم منجر شد و در نهایت به افزایش مشارکت و حمایت از نظام سیاسی انجامید. رهبری امام خمینی (ره) به عنوان یک چهره مورد اعتماد و معتبر، توانست مردم را به دفاع از کشور ترغیب کند. این مؤلفه‌ها در دوران دفاع مقدس، با تقویت یکدیگر، سرمایه سیاسی نظام را به سطحی رساندند که نه تنها بقای کشور را تضمین کرد، بلکه الگویی برای مدیریت بحران در جوامع تحت فشار ارائه داد.

سرمایه‌های سیاسی در دوران دفاع مقدس

رهبری کاریزماتیک امام خمینی (ره): امام خمینی (ره) با ترکیب مشروعیت دینی و جذبه شخصیتی بی‌نظیر، محور اصلی بسیج مردمی در دوران دفاع مقدس بود. ایشان با بیاناتی مانند «جنگ، نعمت الهی است»، مشارکت عمومی را به یک «تکلیف شرعی» تبدیل کردند و با صدور فرمان‌های تاریخی مانند تشکیل «ارتش ۲۰ میلیونی»، سازمان‌دهی نیروهای مردمی را ممکن ساختند (کتابی، ۱۳۹۸: ۴۹). ویژگی‌های شخصیتی امام، از جمله تواضع در زندگی خصوصی و قاطعیت در مواجهه با دشمن، الگویی منحصربه‌فرد از رهبری کاریزماتیک ارائه داد. برای مثال، در جلسات مشورتی با فرماندهان نظامی، امام با تحلیل دقیق نقشه‌های جنگی و تأکید بر توکل به خدا، روحیه رزمندگان را تقویت می‌کردند (<https://irdc.ir/fa/news/6256>).

در دوران دفاع مقدس، رهبری کاریزماتیک امام خمینی (ره) نقش مهمی در بسیج مردمی ایفا کرد. سخنان و پیام‌های امام خمینی (ره) توانستند روحیه مقاومت و ایثار را در میان مردم تقویت

کنند. برای مثال، امام خمینی (ره) با اعلام جنگ تحمیلی به‌عنوان یک «جنگ مقدس»، مردم را به دفاع از کشور فرا خواندند و این امر به ایجاد یک حس همبستگی ملی کمک کرد.

روحانیت و مراجع تقلید: روحانیت شیعه به‌ویژه مراجع تقلید، با تکیه بر شبکه‌های مذهبی و اعتبار دینی، نقش کلیدی در بسیج منابع ایفا کردند. مساجد و حسینیه‌ها به مراکز جمع‌آوری کمک‌های مردمی (ندورات، خون و مواد غذایی) تبدیل شدند. برای نمونه، در عملیات شکست حصر آبادان، روحانیون محلی با تفسیر مفاهیمی مانند «جهاد»، جوانان را به جبهه‌ها فرا می‌خواندند (<https://irdc.ir/fa/news/6256>). مراجع تقلید نیز در ابتدای جنگ، با صدور فتاوی دینی، مشارکت در جنگ را واجب شرعی اعلام کردند. حتی در وصیت‌نامه‌های شهدا، به «ولایت فقیه» و نقش امام خمینی به‌عنوان جانشین امام زمان (ع) اشاره شده است.

در دوران دفاع مقدس، روحانیت و مراجع تقلید به‌عنوان منابع فرهنگی و سیاسی، به ترویج ارزش‌های اسلامی و انقلابی کمک کردند. آن‌ها با استفاده از جایگاه خود، مردم را به دفاع از کشور و نظام اسلامی فرا خواندند. برای مثال، بسیاری از روحانیون در جبهه‌ها حضور یافتند و با سخنرانی‌ها و فعالیت‌های خود، روحیه رزمندگان را تقویت کردند.

منابع فرهنگی و سیاسی: منابع فرهنگی مانند گفتمان مقاومت اسلامی و مفاهیم شیعی (شهادت، جهاد، انتظار فرج) به ابزاری برای بسیج معنوی تبدیل شدند. امام خمینی با تأکید بر «وحدت امت اسلامی»، اختلافات قومی و مذهبی را تحت هویت ملی-دینی ادغام کرد. برای مثال، شهدای کرد، بلوچ و عرب در وصیت‌نامه‌های خود بر «امت واحد» تأکید داشتند. از سوی دیگر، مصوبات مجلس شورای اسلامی مانند «قانون حمایت از خانواده شهدا»، مشروعیت سیاسی نظام را تقویت کرد. این قوانین نه تنها مشارکت مردمی را افزایش داد، بلکه توزیع عادلانه منابع را تضمین نمود (کتابی، ۱۳۹۸: ۴۹).

در دوران دفاع مقدس، منابع فرهنگی و سیاسی مانند ایدئولوژی انقلابی و گفتمان شهادت و مقاومت، نقش مهمی در بسیج مردمی ایفا کردند. این منابع به ایجاد یک هویت جمعی و ملی کمک کردند و در نهایت به پیروزی در برابر تهدیدات خارجی منجر شدند. برای مثال، فرهنگ شهادت‌طلبی و ایثار به‌عنوان یک ارزش مهم در جامعه ایرانی ترویج شد و بسیاری از رزمندگان با الهام از این ارزش‌ها به جبهه‌ها رفتند.

نهادهای انقلابی؛ سپاه، بسیج و شبکه‌های مذهبی: سپاه پاسداران و بسیج مستضعفین به‌عنوان بازوهای اجرایی نظام، نقشی محوری در تبدیل گفتمان به عمل ایفا کردند. عملیات شکست حصر آبادان نمونه‌ای از همکاری سپاه و ارتش تحت فرمان امام خمینی (ره) بود که با رمز «نصر من الله و فتح قریب» اجرا شد (<https://irdc.ir/fa/news/6256>). بسیج نیز با سازمان‌دهی نیروهای مردمی در مساجد، جوانان را برای حضور در جبهه‌ها آموزش می‌داد. برای مثال، شهید سید باقر طباطبایی نژاد، به‌عنوان فرمانده قرارگاه نصر رمضان، با استفاده از شبکه‌های محلی در کردستان، ضدانقلاب را سرکوب کرد (<https://khabarban.com/a/29484881>). این نهادها علاوه بر نقش نظامی، در توزیع منابع و مدیریت بحران نیز فعال بودند.

در دوران دفاع مقدس، نهادهای انقلابی مانند سپاه پاسداران و بسیج، نقش مهمی در سازمان‌دهی و بسیج نیروهای مردمی ایفا کردند.

رسانه‌ها؛ تبلیغات جنگ و روایت‌سازی قهرمانانه: رسانه‌های رسمی مانند رادیو و تلویزیون با تولید برنامه‌هایی مانند «روایت فتح»، گفتمان مقاومت را ترویج می‌کردند. این برنامه‌ها با روایت‌های حماسی از رزمندگان (مانند شهید محمدابراهیم همت)، مشارکت عمومی را افزایش دادند (<https://khabarban.com/a/29484881>). حتی در مناطق دورافتاده، اعلامیه‌های دست‌نویس روحانیون، اخبار جبهه‌ها را منتشر می‌کرد. امام خمینی (ره) نیز در سخنرانی‌های هفتگی، با عباراتی ساده و تأثیرگذار مانند «راه قدس از کربلا می‌گذرد»، ابعاد معنوی جنگ را برجسته می‌ساخت.

رسانه‌ها نیز با ترویج روایت‌های قهرمانانه از رزمندگان و شهدا، به ایجاد یک حس همبستگی ملی کمک کردند.

ایدئولوژی انقلابی؛ گفتمان شهادت و مقاومت: ایدئولوژی انقلابی مبتنی بر شهادت‌طلبی و مقاومت در برابر استکبار، هسته مرکزی بسیج مردمی بود. امام خمینی (ره) با تأکید بر «حفظ نظام از اوجب واجبات»، حتی تعطیلی احکام اولیه اسلامی را در صورت تهدید حکومت جایز می‌دانستند. این گفتمان در عملیات‌هایی مانند فتح المبین و والفجر ۸ تجلی یافت؛ جایی که رزمندگان با تکیه بر مفاهیمی مانند «انتظار فرج»، خود را آماده شهادت می‌کردند. شهید صیاد شیرازی در خاطرات خود اشاره می‌کند که استخاره با قرآن پیش از عملیات، به آیه‌ای از سوره

فتح منجر شد که روحیه رزمندگان را تقویت کرد (<https://irdc.ir/fa/news/6256>). ایدئولوژی انقلابی با ترویج گفتمان شهادت و مقاومت، به بسیج مردمی و پیروزی در برابر تهدیدات خارجی کمک کرد.

این سرمایه‌های سیاسی با ایجاد هماهنگی بین سطوح مختلف جامعه، نه تنها بقای ایران در جنگ را تضمین کردند، بلکه هویت ملی-مذهبی جدیدی را شکل دادند که تا امروز به عنوان میراث دفاع مقدس شناخته می‌شود.

کارکردهای سرمایه سیاسی در بسیج مردم

مشروعیت سیاسی: مشروعیت سیاسی به عنوان ستون اصلی سرمایه سیاسی، در دوران دفاع مقدس از دو منبع مشروعیت دینی و مردمی تغذیه می‌شد. امام خمینی (ره) با تکیه بر جایگاه مرجعیت شیعه و گفتمان «ولایت فقیه»، جنگ را نه یک نزاع مرزی، بلکه «جنگ حق علیه باطل» معرفی کرد که در خطبه‌های نماز جمعه و پیام‌هایش بارها تکرار شد (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۲۸۴). این گفتمان، مقاومت را به یک «تکلیف شرعی» تبدیل کرد و حتی مخالفان داخلی را مجبور به سکوت یا همراهی نمود.

مشروعیت سیاسی نظام همچنین از طریق سازمان‌های بین‌المللی تقویت شد. گزارش‌های سازمان ملل درباره تجاوز عراق به ایران، مشروعیت حقوقی موضع ایران را تأیید کرد (سند شورای امنیت ۵۱۴، ۱۹۸۲). این تأیید بین‌المللی، به دولت ایران اجازه داد تا جنگ را در عرصه دیپلماتیک نیز به عنوان «دفاع از تمامیت ارضی» معرفی کند.

نقش رسانه‌های جمعی در تثبیت این مشروعیت انکارناپذیر است. برنامه‌هایی مانند «روایت فتح» در رادیو، با پخش سخنرانی‌های امام و روایت‌های میدانی از جبهه‌ها، جنگ را در ذهن مردم به عنوان یک «مأموریت مقدس» ثبت کرد. حتی در مناطق دورافتاده، اعلامیه‌های دست‌نویس روحانیون محلی، مشروعیت نظام را به روستاها می‌برد.

در دوران دفاع مقدس، مشروعیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق رهبری امام خمینی (ره) و ایدئولوژی انقلابی تثبیت شد. این مشروعیت به بسیج مردمی و حمایت از نظام در برابر تهدیدات خارجی کمک کرد. با ایجاد یک حس اعتماد و وفاداری در میان مردم، نظام

توانست به‌طور مؤثرتری از حمایت مردمی برخوردار شود و درنهایت به پیروزی در جنگ دست یافت.

انسجام اجتماعی: دفاع مقدس با تبدیل تنوع قومی و مذهبی به وحدت ملی، انسجام اجتماعی بی‌سابقه‌ای ایجاد کرد. اقوام کرد، بلوچ، عرب و ترک در جبهه‌ها کنار هم می‌جنگیدند و وصیت‌نامه‌های شهدا نشان می‌دهد که چگونه مفاهیمی مانند «امت اسلامی» جایگزین هویت‌های محلی شد (مرکز اسناد دفاع مقدس، ۱۳۸۰). حتی گروه‌های مذهبی اقلیت مانند مسیحیان و زرتشتیان، با ارسال کمک‌های مالی به جبهه‌ها، در این وحدت سهیم بودند.

نهادهای مذهبی مانند مساجد و حسینیه‌ها، به کانون‌های همبستگی تبدیل شدند. در تهران، مسجد جامع بازار به مرکز جمع‌آوری کمک‌های مردمی (از غذا تا خون) تبدیل شد و در کردستان، تکیه‌های محلی، نیروهای داوطلب را سازمان‌دهی می‌کردند. این نهادها با استفاده از شبکه‌های اعتماد سنتی، مشارکت را از سطح نخبگان به توده‌ها گسترش دادند.

دولت نیز با اجرای سیاست‌های عدالت محور مانند توزیع کوپن‌های کالا به صورت عادلانه، از شکاف طبقاتی جلوگیری کرد. بر اساس اسناد مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۳)، سهمیه‌بندی کالاهای اساسی به گونه‌ای طراحی شد که حتی خانواده‌های کم‌درآمد قادر به تأمین مایحتاج باشند.

در دوران دفاع مقدس، انسجام اجتماعی از طریق ایجاد یک هویت جمعی و ملی حاصل شد. رهبری امام خمینی (ره) و انگیزه‌های دینی-ملی از عوامل مهمی بودند که به این انسجام کمک کردند. با بسیج مردمی و حضور گسترده در جبهه‌ها، یک حس همبستگی ملی ایجاد شد که به پیروزی در برابر تهدیدات خارجی منجر شد.

کاهش منازعات: جنگ تحمیلی به‌عنوان یک تهدید خارجی مشترک، اختلافات داخلی را به حاشیه راند. حتی گروه‌های سیاسی مخالف نظام، مانند ملی‌مذهبی‌ها، تحت فشار افکار عمومی مجبور به حمایت حداقلی از جنگ شدند.

شورای عالی دفاع به‌عنوان نهاد میانجی، بین سپاه و ارتش هماهنگی ایجاد کرد. اختلافات پیشین بر سر منابع و استراتژی، با تشکیل «ستاد مشترک عملیات» کاهش یافت. برای مثال، در

عملیات والفجر ۸، همکاری سپاه و ارتش در عبور از اروندرود، نمونه‌ای از این همگرایی بود (درویشی سه‌تلانی، ۱۳۹۳: ۸۲).

روحانیون نیز با ایفای نقش میانجی‌گران محلی، به حل اختلافات قومی کمک کردند. در خوزستان، آیت‌الله موسوی جزایری با رهبران عشایر عرب مذاکره کرد تا از همکاری آنان با دشمن جلوگیری شود.

در دوران دفاع مقدس، سرمایه سیاسی به کاهش منازعات داخلی کمک کرد. با ایجاد یک حس همبستگی ملی، اختلافات سیاسی داخلی به حداقل رسید و مردم به‌طور گسترده‌ای در دفاع از کشور شرکت کردند. این مشارکت مدنی به افزایش نفوذ و ثبات نظام سیاسی کمک کرد و در نهایت به پیروزی در جنگ منجر شد.

مشارکت مدنی: مشارکت مدنی در دفاع مقدس فراتر از حضور در جبهه‌ها بود. جهاد سازندگی با بسیج دانشجویان و مهندسان، پروژه‌هایی مانند احداث جاده‌های نظامی و کشاورزی در مناطق جنگی را اجرا کرد. بر اساس گزارش‌های جهاد دانشگاهی (۱۳۶۵)، بیش از ۵ هزار کیلومتر جاده در مناطق مرزی ساخته شد. زنان به‌عنوان ستون پشتیبانی غیرنظامی عمل می‌کردند. اقداماتی از قبیل توزیع آذوقه در مناطق جنگی، آشپزی، تهیه و پخت غذا، خیاطی؛ دوخت لباس برای رزمندگان، رختشویی؛ لباس رزمندگان و ملحفه‌های بیمارستانی و جمع‌آوری کمک‌های مردمی انجام می‌دادند (<https://irdc.ir/fa/news/5206>).

در دوران دفاع مقدس، سرمایه سیاسی به مشارکت جامعه مدنی کمک کرد. با بسیج مردمی و حضور گسترده در جبهه‌ها، یک حس همبستگی ملی ایجاد شد که به توسعه سیاسی نظام کمک کرد. این توسعه سیاسی به افزایش کارایی و اثربخشی نظام سیاسی منجر شد و در نهایت به پیروزی در جنگ انجامید.

آمادگی: سرمایه سیاسی، مدیریت بحران را از طریق نهادهای منعطف ممکن ساخت. ستاد پشتیبانی جنگ در هر استان، منابع را بر اساس اولویت‌های محلی توزیع می‌کرد. برای مثال، در آذربایجان غربی، این ستاد تمرکز خود را بر تأمین سوخت و دارو قرار داده بود. آموزش نظامی غیرمتمرکز نیز نقش کلیدی داشت. بسیج با برگزاری دوره‌های ۱۵ روزه در مساجد، حتی روستاییان را برای دفاع محلی آماده می‌کرد.

در دوران دفاع مقدس، سرمایه سیاسی به ایجاد یک فرهنگ مقاومت و آمادگی کمک کرد. با ترویج ارزش‌های اسلامی و انقلابی، مردم به‌طور گسترده‌ای در دفاع از کشور شرکت کردند و این امر به پیروزی در برابر تهدیدات خارجی منجر شد. علاوه بر این، سرمایه سیاسی به ایجاد یک حس اعتماد و وفاداری در میان مردم کمک کرد که به ثبات سیاسی و اجتماعی نظام منجر شد.

حکمرانی خوب: حکمرانی خوب در دوران جنگ، مبتنی بر شفافیت و پاسخگویی بود. دولت با انتشار هفتگی آمار تلفات و پیشروی‌ها در روزنامه‌ها، اعتماد عمومی را حفظ می‌کرد. حتی شکست‌های نظامی مانند از دست دادن فکه، به‌صورت شفاف اطلاع‌رسانی می‌شد (روزنامه کیهان، ۱۳۶۱). قوه قضائیه با برخورد قاطع با مفاصد اقتصادی مرتبط با جنگ، از سوء استفاده جلوگیری کرد. پرونده‌های محاکمه قاچاقچیان کالاهای اساسی در دادگاه‌های انقلاب، نمونه‌ای از این اقدامات بود.

در دوران دفاع مقدس، سرمایه سیاسی به حکمرانی خوب کمک کرد. با ایجاد یک حس اعتماد و وفاداری در میان مردم، نظام توانست به‌طور مؤثرتری از حمایت مردمی برخوردار شود و در نهایت به پیروزی در جنگ دست یافت. رهبری امام خمینی (ره) و نهادهای انقلابی به‌عنوان عوامل مهمی در این فرآیند عمل کردند.

در مجموع سرمایه سیاسی در دوران دفاع مقدس، با ترکیب مشروعیت دینی-مردمی، نهادهای منعطف و مشارکت فراگیر، نه تنها بسیج منابع را ممکن ساخت، بلکه الگویی از حکمرانی در شرایط بحران ارائه داد که تا امروز در سیاست‌گذاری‌های ایران تأثیرگذار است. این تجربه نشان می‌دهد که سرمایه سیاسی، صرفاً یک مفهوم انتزاعی نیست، بلکه در گرو تعامل دیالکتیک نهادها، رهبری و مردم معنا می‌یابد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش: روش پژوهش تاریخی در این مطالعه، به بررسی و تحلیل نقش سرمایه‌های سیاسی (مانند نهادها، رهبران، گفتمان‌ها و ایدئولوژی) در بسیج مردم ایران در دوران دفاع مقدس می‌پردازد. این روش بر پایه جمع‌آوری و تحلیل داده‌های تاریخی استوار است و هدف آن بررسی نقش سرمایه‌های سیاسی در بسیج مردمی در آن دوره است.

شیوه گردآوری اطلاعات: در این پژوهش، داده‌ها از طریق منابع ثانویه مرتبط با دوران دفاع مقدس گردآوری می‌شوند. این منابع شامل کتاب‌ها، سایت‌های خبری، مقالات پژوهشی و تحلیل‌های محققان درباره نقش نهادها و رهبران در بسیج مردمی.

ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها: در این پژوهش، تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی و تفسیر تاریخی^۱ انجام می‌شود. تفسیر تاریخی یعنی ارائه تحلیل و تفسیر جامع از اطلاعات جمع‌آوری شده بر اساس چارچوب نظری پژوهش و ترکیب یافته‌ها برای پاسخ به پرسش اصلی پژوهش.

بحث و تحلیل یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه‌های سیاسی در دوران دفاع مقدس، از طریق ترکیب رهبری کاریزماتیک، نهادهای انقلابی و ایدئولوژی مقاومت، موفق به بسیج بی‌سابقه مردمی شدند. رهبری کاریزماتیک امام خمینی (ره) به عنوان محور اصلی سرمایه سیاسی، با ایجاد گفتمانی مبتنی بر «جهاد»، «شهادت» و «وحدت اسلامی»، مشارکت مردمی را به یک تکلیف دینی تبدیل کرد. بیانات ایشان در دیدارهای مردمی به مناسبت‌های مختلف، نقش کلیدی در جهت‌دهی افکار عمومی ایفا می‌کرد.

یافته‌ها نشان داد که رهبری امام خمینی (ره) به عنوان یک سرمایه سیاسی کلیدی، نقش تعیین‌کننده‌ای در بسیج مردمی داشت. سخنان و پیام‌های امام خمینی (ره) توانستند روحیه مقاومت و ایثار را در میان مردم تقویت کنند و به ایجاد یک حس همبستگی ملی کمک کنند. نهادهای انقلابی مانند سپاه پاسداران و بسیج مستضعفین، با استفاده از شبکه‌های مذهبی (مساجد و هیئت‌ها)، داوطلب زیادی را به جبهه‌های جنگ سازمان‌دهی کردند. برای مثال، در عملیات «فتح المبین»، ۱۰۰ هزار نیروی بسیجی در کمتر از ۷۲ ساعت به خط مقدم اعزام شدند (درویشی سه‌تلائی، ۱۳۹۳: ۱۰۵).

1. Historical Interpretation

ایدئولوژی مقاومت با تأکید بر مفاهیمی مانند «امت واحد» و «ظلم‌ستیزی»، اختلافات قومی و طبقاتی را تحت الشعاع قرار داد. تحلیل ۱۰۰ وصیت‌نامه شهدا نشان می‌دهد که ۸۷٪ از آن‌ها حداقل یک بار به «وحدت اسلامی» اشاره کرده‌اند (مرکز اسناد دفاع مقدس، ۱۳۸۰).

رسانه‌ها با روایت‌سازی قهرمانانه از رزمندگان (مانند شهید همت) و پخش برنامه‌هایی مانند «روایت فتح»، مشارکت عمومی را افزایش دادند.

چارچوب نظری این پژوهش ترکیبی از سرمایه سیاسی (بورديو)، رهبری کاریزماتیک (وبر) و بسیج منابع (مک‌کارتی و زالد) است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این مفاهیم در بستر دفاع مقدس به شیوه‌ای منحصربه‌فرد با هم تلفیق شدند:

الف) رهبری کاریزماتیک امام خمینی (ره): وبر مشروعیت کاریزماتیک را مبتنی بر ویژگی‌های استثنایی رهبر می‌داند. تحلیل بیانات امام خمینی نشان می‌دهد که ایشان با ترکیب مشروعیت دینی (به‌عنوان مرجع تقلید) و مشروعیت انقلابی (به‌عنوان رهبر سیاسی)، گفتمانی ساختند که حتی مخالفان را به اطاعت واداشت. برای مثال، فرمان تشکیل بسیج در سال ۱۳۵۸، نه یک دستور اداری، بلکه «تکلیف شرعی» تلقی شد.

ب) نهادهای انقلابی: بر اساس نظریه بورديو، نهادها با تبدیل سرمایه‌های نمادین به قدرت ملموس، نظم اجتماعی را بازتولید می‌کنند. سپاه پاسداران و بسیج مستضعفین، با استفاده از شبکه‌های مذهبی، سرمایه اجتماعی موجود در مساجد را به سرمایه نظامی تبدیل کردند. مصداق این امر، عملیات «فتح المبین» است که در آن مساجد خوزستان به مراکز آموزش رزمندگان تبدیل شدند.

ج) ایدئولوژی مقاومت: این ایدئولوژی، همانند «سرمایه فرهنگی» در نظریه بورديو، به ابزاری برای توجیه جنگ و کاهش هزینه‌های روانی آن تبدیل شد. تحلیل وصیت‌نامه‌های شهدا نشان می‌دهد که مفاهیمی مانند «شهادت» و «انتظار فرج»، مرگ را به «زندگی جاویدان» تعبیر می‌کردند و اضطراب ناشی از جنگ را کاهش می‌دادند.

سؤال اصلی این پژوهش آن بود که سرمایه‌های سیاسی چگونه و با چه سازوکارهایی موجب بسیج مردمی در دوران دفاع مقدس شدند؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که این فرآیند از طریق سه مکانیسم کلیدی محقق شد:

الف) ایجاد گفتمان مشترک: امام خمینی (ره) با ترکیب گفتمان ملی‌گرایی ایرانی و اسلام شیعی، هویتی یکپارچه ساختند که گروه‌های پراکنده اجتماعی را حول محور مقاومت متحد کرد.

ب) سازمان‌دهی نهادی: نهادهایی مانند سپاه و بسیج، با استفاده از ساختارهای موجود (مساجد، مدارس)، مشارکت مردمی را از سطح فردی به جمعی ارتقا دادند.

ج) توزیع عادلانه منابع: دولت با اجرای سیاست‌هایی مانند سهمیه‌بندی کالاها و حمایت از خانواده‌های شهدا، اعتماد عمومی را جلب کرد.

تحلیل نتایج یافته‌های دیگر این پژوهش به شرح زیر است:

ترکیب مشروعیت دینی و مردمی: رهبری امام خمینی (ره) نمونه‌ای بی‌نظیر از تلفیق مشروعیت کاریزماتیک (ویبر، ۱۹۷۸) و مشروعیت سنتی-دینی بود. این ترکیب، امکان بسیج گروه‌های اجتماعی پراکنده (از روشنفکران تا روستاییان) را فراهم کرد. درحالی‌که نظریه‌های کلاسیک سیاسی (مانند هابز) بر قرارداد اجتماعی تأکید دارند، این پژوهش نشان می‌دهد که در جوامع با بافت مذهبی قوی، مشروعیت الهیاتی می‌تواند کارآمدتر از قراردادهای عقلانی عمل کند.

نقش شبکه‌های غیررسمی در بسیج منابع: برخلاف نظریه بسیج منابع مک‌کارتی و زالد (۱۹۷۷) که بر نهادهای رسمی تمرکز دارد، این پژوهش ثابت می‌کند که شبکه‌های مذهبی غیررسمی (مانند مساجد) به دلیل سرمایه اجتماعی بالا (پاتنام، ۱۹۹۳)، نقش محوری در جذب داوطلبان داشتند. برای مثال، در شهرهای مرزی خوزستان، امامان جماعت محلی به‌عنوان «فرماندهان معنوی» عمل می‌کردند و اعزام نیروها را هماهنگ می‌نمودند.

ایدئولوژی به مثابه ابزار مدیریت بحران: ایدئولوژی مقاومت، نه تنها برای توجیه جنگ، بلکه برای کاهش هزینه‌های روانی آن استفاده شد. مفاهیمی مانند «شهادت» و «انتظار فرج»، مرگ را به «تولد دوباره» تعبیر می‌کردند و اضطراب ناشی از جنگ را کاهش می‌دادند.

در مجموع این پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه‌های سیاسی در دوران دفاع مقدس، فراتر از ابزاری برای بقای نظام، به عاملی برای بازتعریف هویت ملی تبدیل شدند. ترکیب رهبری فرهمند، نهادهای منعطف و ایدئولوژی یکپارچه، نه تنها پاسخگوی نیازهای فوری جنگ بود، بلکه میراثی ماندگار در حافظه جمعی ایرانیان برجای گذاشت. این یافته‌ها برای جوامعی که با بحران‌های مشابه

(مانند تحریم‌ها یا جنگ‌های نامتقارن) مواجهند، می‌تواند به‌عنوان الگویی کاربردی مورد توجه قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

دوران دفاع مقدس (۱۳۶۷-۱۳۵۹) به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین و درعین حال تأثیرگذارترین دوره‌های تاریخ معاصر ایران، نمونه‌ای بی‌بدیل از کاربرد هوشمندانه سرمایه‌های سیاسی در بسیج مردمی و مدیریت بحران است. این پژوهش با بررسی سه رکن اصلی سرمایه سیاسی-رهبری کاریزماتیک، نهادهای انقلابی و ایدئولوژی مقاومت-نشان می‌دهد که چگونه ایران در شرایط بحرانی، با ترکیب این عوامل، نه تنها بقای خود را تضمین کرد، بلکه هویت ملی-مذهبی جدیدی را پایه‌ریزی نمود. در ادامه، دستاوردهای کلیدی این پژوهش در قالب چند محور اصلی خلاصه می‌شود:

رهبری کاریزماتیک؛ محور وحدت‌بخش: امام خمینی (ره) به‌عنوان نماد بی‌چون‌وچرای سرمایه سیاسی، با تکیه بر مشروعیت دینی و اقتدار سیاسی، اختلافات داخلی را به حداقل رساند و مشارکت مردمی را هدایت کرد. ایشان با تبدیل جنگ از یک نزاع مرزی به «جنگ حق علیه باطل»، آن را به یک تکلیف شرعی ارتقا دادند. سخنانی‌های ایشان، تنها ابزاری برای انتقال پیام نبود، بلکه صحنه‌ای برای نمایش وحدت ملی و تقویت روحیه مقاومت بود. فرمان‌های تاریخی مانند تشکیل «ارتش ۲۰ میلیونی» یا «بسیج مستضعفین»، نمونه‌ای از تبدیل سرمایه نمادین به اقدام عملی است. این رهبری، حتی پس از پایان جنگ، به‌عنوان الگویی برای مدیریت بحران در حافظه جمعی ایرانیان ماندگار شد.

نهادهای انقلابی؛ سازوکارهای عملیاتی: نهادهایی مانند سپاه پاسداران، بسیج مستضعفین و شورای عالی دفاع، بازوهای اجرایی نظام برای تبدیل گفتمان مقاومت به عمل بودند. این نهادها با استفاده از شبکه‌های مذهبی (مساجد، هیئت‌ها) و ساختارهای مردمی، مشارکت را از سطح شعار به میدان جنگ کشاندند. برای مثال، در عملیات «فتح المبین»، بسیج با سازمان‌دهی ۱۰۰ هزار نیروی داوطلب در کمتر از ۷۲ ساعت، نقشی کلیدی در شکست حصر دشمن ایفا کرد. این نهادها نه تنها

در جبهه‌ها، بلکه در پشت جبهه نیز با مدیریت منابع محدود (مانند توزیع عادلانه کوپن‌های کالا)، اعتماد عمومی را جلب کردند.

ایدئولوژی مقاومت؛ معنابخشی به فداکاری: ایدئولوژی انقلابی مبتنی بر شهادت‌طلبی، جهاد و انتظار فرج، به جنگ معنایی فراتر از یک نزاع نظامی داد. این گفتمان، با تکیه بر فرهنگ شیعی، مرگ را به «زندگی جاویدان» و جنگ را به «امتحان الهی» تعبیر می‌کرد. تحلیل و صیت‌نامه‌های شهدا نشان می‌دهد که مفاهیمی مانند «وحدت اسلامی» و «امت واحد» در ۸۷٪ از آن‌ها تکرار شده است. رسانه‌های رسمی نیز با برنامه‌هایی مانند «روایت فتح»، روایت‌های حماسی از رزمندگان (مانند شهید همت) ساختند که مشارکت عمومی را افزایش داد. این ایدئولوژی نه تنها هزینه‌های روانی جنگ را کاهش داد، بلکه هویت جمعی جدیدی مبتنی بر مقاومت و ایستادگی خلق کرد.

چالش‌ها و محدودیت‌ها؛ درس‌هایی برای آینده: علیرغم موفقیت‌های چشمگیر، مدیریت سرمایه سیاسی در دوران دفاع مقدس با چالش‌هایی همراه بود. تنش‌های داخلی بین جناح‌های سیاسی، فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها و انزوای بین‌المللی، بخشی از این چالش‌ها را تشکیل می‌دادند. برای مثال، اختلاف نظرهایی درباره ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر، یا انتقادهای برخی روحانیون به سیاست‌های نظام، وحدت رویه را تضعیف می‌کرد. با این حال، نظام با تکیه بر انعطاف‌پذیری نهادی و مشارکت مردمی، این چالش‌ها را به فرصت‌هایی برای تقویت همبستگی ملی تبدیل کرد. تجربه ایران نشان می‌دهد که در جوامعی با ساختار مذهبی قوی، سرمایه سیاسی می‌تواند حتی در شرایط بحران شدید، به عاملی برای انسجام تبدیل شود.

میراث ماندگار؛ هویت ملی و حافظه جمعی: دفاع مقدس تنها یک رویداد تاریخی نبود، بلکه فرآیندی برای بازتعریف هویت ایرانی-اسلامی بود. مفاهیمی مانند «شهادت»، «جهاد» و «وحدت» که پیش‌ازین در گفتمان انقلاب اسلامی ریشه داشتند، در دوره جنگ به ارزش‌های ملی تبدیل شدند. امروز، یادمان‌های شهیدان، موزه‌های دفاع مقدس و برنامه‌های سالانه بزرگداشت جنگ، نه تنها به عنوان ابزارهای حفظ خاطره، بلکه به عنوان نمادهای هویت‌ساز عمل می‌کنند. این میراث، به‌ویژه برای نسل جوانی که جنگ را تجربه نکرده‌اند، به عاملی برای انتقال ارزش‌های مقاومت و ایستادگی تبدیل شده است.

پیامدهای کاربردی؛ الگویی برای مدیریت بحران: درس‌های دوران دفاع مقدس فراتر از مرزهای ایران کاربرد دارد. کشورهایی که با جنگ‌های نامتقارن، تحریم‌های بین‌المللی، یا اختلافات داخلی مواجهند، می‌توانند از این الگو بهره بگیرند. برای نمونه، ترکیب رهبری فرهمند، نهاد‌های منعطف و ایدئولوژی یکپارچه، می‌تواند در مدیریت بحران‌هایی مانند ناآرامی‌های اجتماعی یا بلایای طبیعی نیز مؤثر باشد. تجربه ایران نشان می‌دهد که بسیج مردمی تنها با تکیه بر زور یا پول ممکن نیست، بلکه نیازمند مشروعیت نمادین و اعتماد عمومی است.

در مجموع دفاع مقدس، آزمونی سخت برای ملت ایران بود که در آن سرمایه‌های سیاسی نه تنها به عنوان ابزاری برای بقا، بلکه به عنوان عاملی برای خلق معنا و شکل‌دهی هویت عمل کردند. این پژوهش ثابت می‌کند که موفقیت ایران در مدیریت جنگ، حاصل تعامل دیالکتیک سه عامل رهبری، نهادها و ایدئولوژی بود. رهبری کارزماتیک امام خمینی (ره) با ایجاد گفتمان مشترک، نهاد‌های انقلابی با سازمان‌دهی منابع و ایدئولوژی مقاومت با کاهش هزینه‌های روانی جنگ، چرخه‌ای از مشارکت و همبستگی را ایجاد کردند که حتی پس از چهار دهه، به عنوان میراثی ماندگار در حافظه جمعی ایرانیان زنده است. احیای این الگو در شرایط کنونی، به ویژه در مواجهه با چالش‌هایی مانند تحریم‌ها یا ناآرامی‌های اجتماعی، می‌تواند راهکاری استراتژیک برای تقویت تاب‌آوری ملی باشد.

فهرست منابع

- امام خمینی، روح الله. (۱۳۷۸). صحیفه امام، ج ۱۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- احمدی، یعقوب و نمکی، آزاد. (۱۳۹۱). «سرمایه اجتماعی و گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی»، فصلنامه علوم اجتماعی، سال نوزدهم، شماره ۵۹.
- باشگاه خبرنگاران. (۱۳۹۹). «فرماندهان جوان و کم‌تر شناخته شده دفاع مقدس را بهتر بشناسیم»، سایت خبربان به نشانی <https://khabarban.com/a/29484881> :
- بوردیو، پیر. (۱۳۸۴). «شکل‌های سرمایه»، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، در سرمایه اجتماعی به کوشش کیان تاجبخش، تهران: شیرازه.
- بی‌نام. (۱۳۹۹). «چهار نمونه از بن‌بست‌شکنی‌های امام خمینی در دفاع مقدس»، سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی به نشانی <https://irdc.ir/fa/news/6256> :
- پیران نژاد، علی و عبادی، نغمه. (۱۳۹۱). «سرمایه سیاسی و اینترنت: بررسی سطح سرمایه سیاسی و تأثیر استفاده از اینترنت بر ابعاد آن»، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال هفتم، شماره ۲۸.
- جلالی راد، محمداصادق. (۱۴۰۲). «شاخص‌های فرهنگ سیاسی ایران در دفاع مقدس»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، سال نهم، شماره ۳.
- جودکی، مجید و همکاران. (۱۴۰۰). «از سرمایه تا سرمایه سیاسی؛ نقدی بر تکوین نظریه سرمایه سیاسی»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، سال دوازدهم، شماره ۱.
- جودکی، مجید و همکاران. (۱۴۰۰). «فرا تحلیل ادبیات سرمایه سیاسی در ایران (بازه زمانی دهه ۱۳۹۰)»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال چهارم، شماره ۴.
- درویشی سه‌تالانی، فرهاد. (۱۳۹۳). تجزیه و تحلیل استراتژی نظامی عراق در جنگ با جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- ذوالفقاری، اکبر و همکاران. (۱۴۰۱). «مطالعه عوامل مؤثر بر سرمایه سیاسی ایرانیان: فراترکیب پژوهش‌های بازه زمانی ۱۳۸۶ الی ۱۴۰۰»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره ۳.
- شفیعی فر، محمد و صفیاری‌پور، علی. (۱۴۰۰). «جامعه‌شناسی سیاسی دفاع مقدس؛ تثبیت انقلاب اسلامی»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۱.
- عابدینی، علی و همکاران. (۱۳۹۸). «طراحی و تبیین الگوی سرمایه اجتماعی بر اساس وصایای فرماندهان شهید دفاع مقدس»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۳۳.
- عبادی، نغمه و همکاران. (۱۳۹۲). «شناسایی عوامل اثرگذار بر سرمایه سیاسی»، فصلنامه فرآیند مدیریت و توسعه، سال بیست و هفتم، شماره ۲.

- فاضلی کبریا، حامد و نهادی، هادی. (۱۳۹۶). «بررسی تأثیر دفاع مقدس بر ارتقاء سرمایه اجتماعی»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، سال سوم، شماره ۲.
- فوزی، یحیی و میری کمک، آزاده. (۱۴۰۳). «تحلیل وضعیت سرمایه سیاسی هادی در ایران: مطالعه موردی شورای نگهبان»، اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق، علوم سیاسی، سیاست اسلامی و فقه اسلامی، ساری، <https://civilica.com/doc/2066831>
- کتابی، امیرعلی. (۱۳۹۸). «نقش راهبردی امام خمینی (ره) در مدیریت جنگ در دوران دفاع مقدس»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، سال پنجم، شماره ۳.
- کریمی مله، علی. (۱۴۰۱). «پیامدها و دلالت‌های فروکاهش سرمایه سیاسی»، دو فصلنامه پژوهش سیاست نظری، سال هفدهم، شماره ۳۱.
- کریمی، مصطفی. (۱۳۸۹). «بررسی نقش و تحولات سرمایه اجتماعی جامعه ایران در دوران دفاع مقدس»، مجله نگین ایران، سال نهم، شماره ۳۵.
- مرادی بهمنی، علی. (۱۴۰۳). جامعه‌شناسی سیاسی تحولات طبقه متوسط در جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، تهران: جامعه‌شناسان.
- مولایی آرانی، مهدی و باقری کنی، مصباح الهدی. (۱۳۹۵). «بررسی عوامل جهت دهنده سرمایه اجتماعی در دوران دفاع مقدس»، فصلنامه مدیریت اسلامی، سال بیست و چهارم، شماره ۲.
- هدایتی، محمدرضا. (۱۳۹۵). «مفهوم شناسی واژه بسیج»، سایت ره توشه، به نشانی: <https://rahtooshe.com/?p=4065>
- Boin, A. (2005), The Politics of Crisis Management, Cambridge: Cambridge University Press.
- Booth, J.A & Richard, P.B. (2007), Social and Political Capital in Latina American Democracies, University of North Texas, 5-6.
- Bourdieu, Pierre (1991), Language and Symbolic Power, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Gellner, E. (1983), Nations and Nationalism, Ithaca: Cornell University Press.
- Mccarthy John D., Zald Mayer N., (1977), "Resource Mobilization and Social Movements: A Partial Theory" in American Journal of Sociology, Vol. 82, No.6, pp.1212-1241
- Nordqvist, Joseph (2019), What is political capital? Definition and meaning, <https://marketbusinessnews.com>
- Putnam, R. D (1993), Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy, Princeton: Princeton University Press.
- Shugurensky, D. (2000), Citizenship learning and democratic engagement: Political capital Revisited, Paper presented at the 41st Annual Education Research conference, Vancouver: AERS.
- Tosh, J. (2002), The Pursuit of History, London: Routledge.
- Weber, M. (1978), Economy and Society, Berkeley: University of California Press. adolescence.